



Journal of Endowment
& Charity Studies
<https://ecs.ui.ac.ir/?lang=en>

Journal of Endowment & Charity Studies

E-ISSN: 2980-9444

Vol.1, No.1, Spring & Summer, 2023, pp 67-80

Received: 11/08/2022 Accepted: 28/11/2022


Research Paper

Legal status of the properties of charitable institutions after their liquidation

Mohammad Mahdi Alsharif

Associate Prof. of the Law Department of Faculty of Administrative Sciences and Economics, University of Isfahan, Isfahan, Iran

m.alsharif@ase.ui.ac.ir

Dariuosh Keyvani Hafeshjani* 

Assistant Prof. of the Department of Law and Judicial Sciences of Faculty of Humanities, Allameh Faizul Islam Institute of Higher Education, Khomeini Shahr, Isfahan Iran

23keyvani@gmail.com

Introduction

Today, non-governmental organizations, including charitable institutions, play an important role in various fields of human societies. In the various categories of economy, politics, science, culture and art, environment, religion, sports, health and treatment, etc., it is rare to find a category that is not under the influence of non-governmental organizations (Tayeb Nia et al, 2019: 32; Derakhshan and Nasrollahi, 2013: 62). In Iranian law, however, the relations and legal issues of these organizations have not been paid attention to, as it deserves, neither at the level of laws, regulations, and judicial procedure, nor at the level of research and scientific studies. The authors of this article analyze one of the fundamental issues related to charitable institutions, i.e. the legal status of the property of these institutions after their liquidation.

Research methodology

It should be said that the authors of these lines have taken a step towards identifying and collecting research sources with the library method. Then, they have taken a proof or descriptive approach to the analysis of the mentioned sources, and by adhering to the normative or prescriptive approach, they presented their appropriate suggestions.

Findings of the research

By relying on the relevant reasons, the authors have proven that the use of part "S" of Article 16 of the *Non-Governmental Organization's regulations* (approved on 17/08/2016 by the Council of Ministers with subsequent amendments and additions) is not referable in any way; therefore, it is not possible to divide the property and surplus income of charitable institutions among their founders, managers, and members. In addition, some approvals such as part "d" of article 6 of the executive regulations subject of note 3 of article 139 of the amendment of the Direct Taxes Law (approved by the Council of Ministers on 19/02/2002), paragraph 4 of the instructions on how public benefit charities are exempted from the subject Clause (i) of Article 139 of the Amendment of the Direct Taxes Law (approved by the Tax Affairs Organization of the country) and Part "T" of Article 1 "Instructions for Authorities, Description of the Duties and Features of

*Corresponding Author

Alsharif, M.M., and Keyvani Hafeshjani, D. (2023). Legal status of the properties of charitable institutions after their liquidation. *Journal of Endowment & Charity Studies*, 1(1), 67-80.



2980-9444 © The Author(s). Published by University of Isfahan

This is an open access article under the CC BY-NC 4.0 License (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>).



<http://dx.doi.org/10.22108/ECS.2022.133009.1000>

Supervisors of Charitable and Non-profit Institutions" Subject of Clause (i) of Article 139 Amendment of the Law on Direct Taxes" have stipulated that

The incomes of charitable institutions are subject to tax at a zero rate if their articles of association indicate that their property will be handed over to the country's welfare organization or one of the government institutions or other charitable and public benefit institutions after liquidation. Considering legal principles, the property of charitable institutions is not acceptable in terms of legal principles and rules.

Discussion and conclusion

First of all, the liquidation of charitable institutions is one of the important issues that its various and complicated aspects are not analyzed and explained in the relevant regulations and legal studies. Secondly, the application of part "S" of Article 16 of the Non-Governmental Organization's Regulations (approved by the Council of Ministers on 17/08/2016 with subsequent amendments and additions) is not referable; therefore, it is not possible to divide the property and surplus income of charitable institutions among their founders, managers, and members. Thirdly, handing over the property of charitable institutions after their liquidation to executive bodies such as the country's welfare organization is against the appropriate legal standards.

Keywords

Property, Liquidation, Non-Governmental Organizations, Contracts, Charities.

References

- Derakhshan, M., and Nasrollahi, K. (2013), Analysis of the effect of the development of the third sector of the economy on economic indicators and strategies for its development in Iran, *Scientific Research Quarterly of Islamic Economics*, 4(55), 61-88. (In Persian)
- Tayebnia, M. S. Fallah, M., and Rabbani Isfahani, H. (2019), *Architects of the New Age: A New Analysis on the Status of Non-Governmental Organizations in Iran and the World*, 1st Edition, Isfahan: Mehrestan. (In Persian)






پژوهشنامه مطالعات
وقف و امور خیریه

پژوهشنامه مطالعات وقف و امور خیریه

دوره ۱، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۲، ص ۸۰-۶۷

مقاله پژوهشی

وضعیت حقوقی اموال مؤسسات خیریه پس از انحلال آنها^۱

الشریف، محمد مهدی^۱، کیوانی هفشجانی، داریوش^{۲*} 

۱. دانشیار گروه حقوق دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

m.alsharif@ase.ui.ac.ir

۲. استادیار گروه حقوق و علوم قضایی دانشکده علوم انسانی مؤسسه آموزش عالی علامه فیض الاسلام، خمینی شهر، ایران

23keyvani@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۰۷

چکیده

وضعیت اموال مؤسسات خیریه پس از انحلال آنها از موضوعات حائز اهمیتی است که نه تنها در قوانین و مقررات موضوعه به صورت مبنايي، نظام مند و کامل مشخص نشده، در دیدگاههای حقوقی نیز تا کنون تحلیل نشده است؛ از این رو، نگارندگان در این تحقیق درصدد تحلیل وضعیت حقوقی اموال مؤسسات خیریه پس از انحلال آنها برآمده‌اند. در همین راستا مؤلفان با تمسک به دلایل مربوطه اثبات کرده‌اند اطلاق قسمت «ص» ماده ۱۶ آیین‌نامه تشکلهای مردم‌نهاد (مصوب ۱۳۹۵/۰۵/۲۷ هیئت وزیران با اصلاحات و الحاقات بعدی) استنادپذیر نیست؛ بنابراین، نمی‌توان اموال و درآمدهای مازاد مؤسسات خیریه را بین مؤسسان و اعضای آنها تقسیم کرد. افزون بر این، برخی از مصوبات که مقرر داشته‌اند که درآمدهای مؤسسات خیریه در صورتی مشمول مالیات به نرخ صفر می‌شوند که اساسنامه آنها حاکی از این باشد که اموالشان پس از انحلال، به سازمان بهزیستی کشور یا یکی از مؤسسات دولتی یا خیریه و عام‌المنفعه دیگر واگذار شود. با توجه به مبادی حقوقی اموال مؤسسات خیریه (یعنی اعمال حقوقی‌ای که این اموال از رهگذر آنها به مؤسسات خیریه منتقل شده یا در اختیار آنها قرار گرفته‌اند)، از حیث اصول و قواعد حقوقی پذیرفتنی نیست.

واژه های کلیدی: اموال، انحلال، عقود، مؤسسات خیریه

۱. بخشی از این مقاله مستخرج از قسمت‌هایی از طرح پژوهشی «آسیب‌شناسی حقوقی قوانین و مقررات مربوط به امور خیر» است که در پژوهشکده آلاء (مطالعات نوین وقف و امور خیر) با حمایت سازمان اوقاف و امور خیریه انجام شده است.

*نویسنده مسئول

الشریف، م. م. و کیوانی هفشجانی، د. (۱۴۰۲). وضعیت حقوقی اموال مؤسسات خیریه پس از انحلال آنها، پژوهشنامه مطالعات وقف و امور

خیریه، (۱)، ۶۷-۸۰



2980-9444 © The Author(s). Published by University of Isfahan

This is an open access article under the CC BY-NC 4.0 License (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>)



<http://dx.doi.org/10.22108/ecs.2022.134815.1011>

۱- مقدمه و بیان مسئله

آموزه‌های دینی و رهیافت‌های فضیلت‌گرایانه همواره انسان را به انجام کارهای نیک تبرعی^۱ فراخوانده و پاداش اخروی و آرامش دنیوی را به‌عنوان برآیند نیکوکاری او معرفی کرده‌اند. گفته می‌شود آدمی با احسان به هم‌نوعان خود، احساس خوشایندی را دریافت و نوع ویژه‌ای از التذاذ را تجربه می‌کند. با وجود این، بعضاً هدف بخشش، سوداگرانه یا غیر نوع‌دوستانه است؛ مانند جایی که با هدف تسهیل یک رابطه تجاری یا به رخ کشیدن ثروت و سخاوت واهب انجام می‌شود (Prentice, 2011: 83). افزون بر آن، گاهی اهدای مال به غیر، تحت تأثیر احساسات آنی ناپایدار است؛ تا آنجا که برخی مدعی‌اند وجود اصل رجوع‌پذیری هبه در حقوق ایران بدین خاطر است که واهب را از گزند احساسات زودگذرش حفظ کند (طباطبایی و کیوانی هفشجانی، ۱۳۹۵: ۲۳۴). به هر روی، فعالیت‌های خیر با هر هدفی که صورت پذیرند، امروزه نقش بزرگی را در اداره شئون گوناگون زندگی انسان ایفا می‌کنند (طیب‌نیا و همکاران، ۱۳۹۹: ۳۲). قلمروی این نقش تا آن اندازه گسترده است که فعالیت‌های نیکوکارانه را بخش سوم اقتصاد نامیده‌اند (درخشان و نصراللهی، ۱۳۹۳: ۶۲). در این میان، تأسیس و اداره مؤسسات خیریه به دلیل داشتن ساختار، دوام و وسعت فعالیت از مهم‌ترین و مؤثرترین اقسام امر خیر به شمار می‌رود. باوجود اهمیت چشمگیر مؤسسات خیریه، متأسفانه در ایران ابعاد و مسائل گوناگون آنها تابع یک نظم حقوقی جامع و مشخص نیست و فقدان یک قانون جامع در این باره گویاترین گواه بر این مدعا است. وجود پاره‌ای از مقررات ناقص، غیرشفاف، پراکنده و متشتت درخصوص مسائل مربوط به مؤسسات خیریه، درنهایت ناکارآمدی نظام روابط نیکوکارانه را رقم زده است (دفتر مطالعات اجتماعی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۰: ۴).

انحلال مؤسسات خیریه از موضوعات حائز اهمیت است که ابعاد گوناگون و پیچیده آن در مقررات موضوعه و همچنین، مطالعات حقوقی، آن‌چنان که باید و شاید، تحلیل و تبیین نشده است. در قسمت «ص» ماده ۱۶ آیین‌نامه تشکیل‌های مردم‌نهاد (مصوب ۱۳۹۵/۰۵/۲۷ هیئت وزیران با اصلاحات و الحاقات بعدی) مقرر شد که اساسنامه تشکیل‌های موصوف (از جمله مؤسسات خیریه) باید وضعیت دارایی خود پس از انحلال را مشخص کنند. در بادی امر اطلاق این مقرر، مؤید این معنی است که اراده هیئت مؤسس تشکیل، در تعیین وضعیت اموال آنها پس از انحلال فعال مایشاء است. اگر آنگونه که برخی از صاحب‌نظران معتقدند وصف در گزاره‌های حقوقی مفهوم مخالف داشته باشد (قافی و شریعتی، ۱۳۹۸، ج ۱: ۱۶۳)، آنگاه اطلاق مفهوم مخالف ماده ۳۲ آیین‌نامه تشکیل‌های مردم‌نهاد^۲، مفید این معنی است که پس از انحلال تشکیل‌های مزبور، تقسیم اموال و مازاد درآمد آنها در بین مؤسسان و اعضایشان ممکن است. این مطلب از برآیندهای بسط‌یدی است که قسمت «ص» ماده ۱۶ برای هیئت مؤسس در نظر گرفته است. با وجود این، قسمت «د» ماده ۶ آیین‌نامه اجرایی موضوع تبصره ۳ ماده ۱۳۹ اصلاحی قانون مالیات‌های مستقیم (مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۳۰ هیئت وزیران) متضمن این حکم است که درآمدهای مؤسسات خیریه در صورتی مشمول مالیات به نرخ صفر^۳ می‌شود که اساسنامه آنها حاکی از این باشد که اموال‌شان پس از انحلال، به سازمان

۱. بخشش بدون دریافت عوض را در لغت، تبرع می‌خوانند (حمیری، ۱۴۲۰ق، ج ۱: ۵۰۸).

۲. «تقسیم اموال و مازاد درآمد تشکیل در میان مؤسسان، اعضا و مدیران قبل از انحلال ممنوع است».

۳. وفق بند الف ماده ۱۳۲ قانون مالیات‌های مستقیم، منظور از مالیات با نرخ صفر روشی است که مؤدیان مشمول مالیات بر درآمد، مکلف به تسلیم اظهارنامه، دفاتر قانونی، اسناد و مدارک حسابداری حسب مورد برای درآمدهای خود به ترتیب مقرر در قانون مالیات‌های مستقیم و در مواعید مشخص شده به سازمان امور مالیاتی هستند و سازمان امور مالیاتی نیز مکلف به بررسی اظهارنامه و تعیین درآمد مشمول مالیات براساس مستندات، مدارک و اظهارنامه تسلیمی است و پس از تعیین درآمد مشمول مالیات مؤدیان، مالیات آن با نرخ صفر محاسبه می‌شود. این نوع نرخ‌گذاری به معنی آن است که فعالیت درآمد مشمول نرخ صفر، عملاً هیچ نوعی بدهی مالیاتی را متحمل نمی‌شود؛ با این حال، تفاوت مالیات به نرخ صفر با معافیت مالیاتی در این است که تکالیفی از قبیل تسلیم اظهارنامه، دفاتر قانونی، اسناد و مدارک حسابداری مورد نیاز، بر عهده اشخاص بهره‌مند از معافیت مالیاتی نیست.

بهبیستی کشور یا یکی از مؤسسات دولتی یا خیریه و عام‌المنفعه دیگر واگذار شود. مفاد این حکم عیناً در بند ۴ دستورالعمل نحوه برخورداری مؤسسات خیریه عام‌المنفعه از معافیت موضوع بند (ط) ماده ۱۳۹ اصلاحی قانون مالیات‌های مستقیم (مصوب سازمان امور مالیاتی کشور) و قسمت «ت» ماده ۱ «دستورالعمل مراجع، شرح وظایف و ویژگی‌های ناظر به مؤسسات خیریه و عام‌المنفعه موضوع بند (ط) ماده ۱۳۹ اصلاحی قانون مالیات‌های مستقیم» تکرار شده است. ممکن است ایراد شود ذکر این مطلب در برخی از مقررات مالیاتی اهمیت چندانی ندارد. از باب دفع دخل مقدر تأکید می‌شود عدم تعلق مالیات به درآمدهای صعب‌الوصول تشکل‌های مردم‌نهاد برای تداوم فعالیت و تحقق اهداف آنها دارای اهمیت حیاتی است. پس ذکر مفاد مقررات موصوف در اساسنامه آنها ضرورتی محتوم است.

باوجود موازین فوق، نظر به اینکه اعمال حقوقی گوناگونی نظیر آورده مؤسسان، صدقه، هبه، صلح و وکالت منشأ اموال مزبور است که هر یک آثار حقوقی مخصوص خود را دارد، ظاهر قسمت «ص» ماده ۱۶ و قسمت «د» ماده ۶ آیین‌نامه‌های فوق قابل اعتماد نیست. بر این بنیان، تعیین دقیق وضعیت اموال مؤسسات خیریه پس از انحلال آنها منوط به دو امر است: نخست، «تحلیل مبادی حقوقی اموال مؤسسات خیریه» و دوم، «تشخیص آثار مترتب بر این تحلیل در فرایند انحلال و تعیین وضعیت اموال»؛ از این رو، نگارندگان با تکیه بر دو امر پیش‌گفته، ضمن نقد مقررات موجود، نسبت به تحلیل دقیق وضعیت اموال مؤسسات خیریه پس از انحلال آنها کوشش می‌کنند.

۲- مبادی حقوقی اموال مؤسسات خیریه

پرسش بنیادی قابل بحث در قسمت پیش‌رو این است که مبادی حقوقی بارز اموال مؤسسات خیریه معمولاً کدام است. غالباً منابع مالی مؤسسات خیریه از سه طریق آورده مؤسسان، کمک‌های بخش عمومی و کمک‌های نیکوکاران تأمین می‌شود. در ادامه، هریک از این سه مورد در قسمت‌های مجزا تحلیل شده‌اند.

۲-۱- آورده مؤسسان

در قسمت «ر» ماده ۱۶ آیین‌نامه تشکل‌های مردم‌نهاد، تعیین میزان سرمایه اولیه یک تشکل از مواردی دانسته شده است که باید در اساسنامه آن قید شود. به‌طور معمول کم‌وبیش، مؤسسان، بخشی از سرمایه تشکل‌های عام‌المنفعه را تأمین می‌کنند. این تأمین حسب مورد از طریق عقود نظیر صلح، هبه یا صدقه صورت می‌پذیرد.

۲-۲- کمک‌های بخش عمومی

بخشی از منابع مالی مؤسسات خیریه توسط دستگاه‌های اجرایی و نهادهای عمومی تأمین می‌شود یا تأمین‌پذیر است. در ادامه نحوه این تأمین توسط مهم‌ترین نهادهای ذی‌ربط تبیین می‌شود.

به موجب تبصره ۵ ماده ۶۹ قانون تنظیم بخشی از مقررات دولت^۱، حق استفاده از اراضی و املاکی که مالکیت آنها متعلق به دولت جمهوری اسلامی است، به سه شرط قابل واگذاری به مؤسسات خیریه و عام‌المنفعه است: نخست، «تصویب واگذاری حق استفاده توسط هیئت وزیران»؛ دوم، «استفاده مؤسسه خیریه و عام‌المنفعه از اراضی و املاک یادشده در جهت تحقق اهداف و احکام برنامه‌های پنج‌ساله توسعه» و سوم، «احتیاج مؤسسه خیریه و عام‌المنفعه به اراضی و املاک دولتی». با مشاهده ماده ۲

^۱ «واگذاری حق استفاده از اراضی و املاک این قانون به نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی و مؤسسات خیریه و عام‌المنفعه با تصویب هیئت وزیران در جهت تحقق اهداف و احکام برنامه‌های پنج‌ساله و قوانین مربوط امکان‌پذیر خواهد بود. پس از رفع نیاز آنها به تشخیص وزارتخانه مربوط و تصویب هیئت وزیران، ملک یا زمین مورد واگذاری به دولت اعاده خواهد شد».

«قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۰ - ۱۳۹۶) مصوب مجلس شورای اسلامی مورخ ۱۳۹۵/۱۲/۱۴» به برخی از اهداف برنامه ششم توسعه اشاره می‌شود: «آب و محیط زیست»، «بازآفرینی بافت‌های ناکارآمد شهری»، «توانمندسازی محرومان و فقرا (با اولویت زنان سرپرست خانوار)»، «کاهش آسیب‌های اجتماعی» و «فرهنگ عمومی و سبک زندگی ایرانی - اسلامی». به نظر می‌رسد مقصود از حق استفاده در تبصره ۵ ماده ۶۹، حق انتفاع است که به موجب قرارداد، از جانب دولت به موسسه خیریه واگذار می‌شود؛ برای نمونه، در تصویب‌نامه کمیسیون اصل ۱۳۸ قانون اساسی وزیران عضو در تاریخ ۱۳۹۷/۰۹/۱۷ تصویب کردند حق استفاده یک پلاک ثبتی با حفظ مالکیت دولت به مدت ۳۰ سال به بنیاد خیریه روشنی امید ایرانیان واگذار شود تا صرفاً در راستای ارائه خدمت به جامعه هدف خود از آن بهره ببرد. شایان ذکر است در این تصویب‌نامه قید شده که تمدید مدت استفاده منوط به تصویب هیئت وزیران است. همچنین، در آن آمده است که پس از پایان دوره تعیین‌شده، عرصه و اعیان ملک مذکور به سازمان بهزیستی کشور (به‌عنوان نماینده دولت) تحویل خواهد شد و بنیاد یادشده هیچ حقی نسبت به آن ندارد و نخواهد داشت.

به موجب بند ۱۰ ماده ۵۵ قانون شهرداری، مصوب ۱۳۳۴/۰۴/۱۱ (با اصلاحات و الحاقات بعدی)، «هدایا و قبول اعانات و هدایا به نام شهر ... با تصویب انجمن شهر»، از وظایف شهرداری‌ها است. اعطای کمک به مؤسسات خیریه و عام‌المنفعه از مصادیق بارز این مقرر است؛ برای نمونه، مورخ ۱۳۹۸/۱۰/۲۵ شورای اسلامی شهر اصفهان براساس همین نص، هدای معادل ۵۰ درصد از مبلغ ۱۰۰۵۹۶۵۶۷۷۸ ریال عوارض ارزش افزوده بر تراکم برای صدور پروانه ساختمانی مسکونی به موسسه خیریه الزهراء (سلام الله علیها) را تصویب کرد. همچنین، فراز پایانی ماده ۶۸ همین قانون، به مقوله تأمین هزینه‌های امور خیریه توسط شهرداری اشاره کرده است. در تبصره ماده ۷۹ قانون یادشده، مقرر شد اعتبارات اعطایی شهرداری‌ها به بنگاه‌های خیریه، به‌وسیله هیئت‌مدیره آنها و با نظارت شورای شهر به مصرف خواهد رسید.

ماده ۲۸ قانون مدنی می‌تواند یکی از طرق عمده انتقال کمک‌های بخش عمومی به مؤسسات خیریه باشد. به موجب این ماده «اموال مجهول‌المالک^۱ با اذن حاکم یا مأذون از قبل او به مصارف فقرا می‌رسد». ابتدا باید پرسید مقصود از «حاکم» در این ماده چیست. مرحوم استاد کاتوزیان، دادستان را مصداق حاکم در ماده ۲۸ پنداشته است (کاتوزیان، ۱۳۸۹: ۴۳). استاد صفایی نیز آن را به دادگاه عمومی عطف کرده است (صفایی، ۱۳۹۶: ۱۸۲). این دو دیدگاه با عنایت به تبصره ۱ ماده ۵۹۵ قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم - بخش تعزیرات) صحیح به نظر نمی‌رسد؛ زیرا وفق این ماده درباره اموال مجهول‌المالک، ولی فقیه، حاکم محسوب می‌شود. این استنتاج به موجب ماده ۳ «قانون تأسیس سازمان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی و اساسنامه آن مصوب ۱۳۷۰»، تبصره ۱ ماده ۵۳ «قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲/۱۰/۰۳»، ماده ۸ «قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی» و بند ۲ بخشنامه شماره ۱۰۰/۱۵۶۵۸/۹۰۰۰ مورخ ۱۳۹۲/۰۳/۲۷ مصوب رئیس قوه قضاییه تأیید می‌شود. در مقرر اخیر چنین آمده است: «اموال در اختیار ولی فقیه عبارت‌اند از اموال مجهول‌المالک، بلاصاحب، ارث بلاوارث، کالاهای قاچاق بلاصاحب و صاحب متواری و اموال رسوب‌شده در مناطق آزاد و ویژه اقتصادی، اموال اعراضی، رهاشده، اموال و املاک غائبین مفقودالاثار، اموالی که بابت تخمیس و خروج از ذمه و اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی و دیگر قوانین در اختیار ولی فقیه است». همچنین، براساس بند ۲ بخشنامه یادشده، ستاد اجرایی فرمان امام، به‌عنوان نهاد مأذون از قبل ولی فقیه به شمار می‌آید؛ از این رو، به موجب بند ۳ همین بخشنامه، «دادگاهها مکلف‌اند درباره اموال به‌جای‌مانده از محکومین پرونده‌های موضوع اصل ۴۹

۱. «اموالی است که قبلاً در مالکیت اشخاص بوده است و اعراض از آنها مسلم نیست یا عدم اعراض از آنها محقق است؛ ولی به جهتی از جهات مالک آن شناخته نمی‌شود» (امامی، بی‌تا، ۱: ۳۸).

قانون اساسی که حکم آن به نفع سایر نهادها صادر شده است ولی تا کنون نسبت به شناسایی، اعمال سرپرستی و تملک آن اقدام ننموده‌اند، رسیدگی و نسبت به صدور حکم تکمیلی به نفع ستاد اجرایی فرمان امام (ره) اقدام کنند». خاطر نشان می‌شود طبق ماده ۱۲ قانون شوراها حل اختلاف، حفظ مال مجهول‌المالک بر عهده شورای حل اختلافی است که مال موصوف در قلمروی صلاحیت محلی آن قرار دارد. بر این اساس، باید ماده ۱ نظامنامه اجرای مواد ۲۸ و ۸۶۶ قانون مدنی (مصوب هیئت وزرا، مورخ ۱۳۱۲/۰۵/۱۲)^۱ را نسخ شده تلقی کرد؛ زیرا این ماده، وظیفه حراست از اموال مجهول‌المالک را بر عهده دادستان محلی قرار داده بود که مال در آنجا واقع شده است. براساس آنچه در سطور پیشین ذکر شد، باید پرسید آیا ستاد اجرایی فرمان امام باید اموال مجهول‌المالک را به مصارف فقرا اختصاص دهد. پاسخ بدون شک مثبت است. در واقع قوانینی نظیر تبصره ماده ۵۹۵ قانون تعزیرات و بخشنامه پیش گفته، تنها به تعیین حاکم و نهاد مأذون پرداخته‌اند و مورد مصرف را تعیین نکرده‌اند. این امر یعنی مفاد ماده ۲۸ قانون مدنی همچنان لازم‌الاجرا است؛ به‌ویژه آنکه به فتوای آیت‌الله خامنه‌ای واجب است مال مجهول‌المالک به فقرا صدقه داده شود (خامنه‌ای، ۱۴۲۴ق: ۵۰۸). تأکید می‌شود نظر به فعالیت مستمر و تخصصی مؤسسات خیریه و عام‌المنفعه فعال در زمینه توانمندسازی فقرا، تخصیص اموال مجهول‌المالک به تهی‌دستان می‌تواند توسط ستاد اجرایی فرمان امام از مجرای مؤسسات موصوف انجام پذیرد؛ بنابراین، انتقال اموال مجهول‌المالک از ستاد اجرایی فرمان امام به مؤسسات خیریه و عام‌المنفعه موصوف با مانع قانونی مواجه نیست.

۲-۳- کمک‌های خیران

نگارندگان در این قسمت تلاش می‌کنند اقسام برجسته روابط حقوقی نیکوکاران و مؤسسات خیریه را تبیین کنند. به باور شیخ طوسی در مبسوط، صدقه عبارت از آن است که شخصی با قصد تقرب به خداوند متعال، مالی را به دیگری ببخشد (شیخ طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۳: ۳۰۳). برخی از صاحب‌نظران معتقدند تعریف شیخ مانع نیست و هبه و ابراء با قصد قربت را هم در بر می‌گیرد؛ از این رو، صدقه عبارت از اعطای مال به غیر به قصد صدقه و با نیت قربت است (اسماعیل پور قمشه‌ای، ۱۳۸۷: ۴۸۴ و ۴۸۶). این دیدگاه با ماده ۸۰۷ قانون مدنی، سازگارتر است. در ماده اخیر آمده است: «اگر کسی مالی را به عنوان صدقه به دیگری بدهد، حق رجوع ندارد؛ البته ممکن است صدقه، به‌عنوان هبه قلمداد شود؛ زیرا برخی آن را هبه‌ای می‌دانند که برای رضای خداوند منعقد می‌شود (مصطفوی، ۱۴۲۳ق: ۶۲۶) و نیز تنها ماده قانون مدنی که در آن باب است، ذیل عنوان هبه، قرار گرفته است.

مشهور فقیهان امامیه، صدقه را در عداد عقود عینی دانسته‌اند و از این رو، حصول مالکیت صدقه‌گیرنده بر موضوع عقد، افزون بر تلاقی ایجاب و قبول متعاقدین محتاج قبض موضوع است (محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۲: ۱۷۶؛ علامه حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۲: ۴۰۴).

همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد پس از تشکیل عقد صدقه، صدقه‌دهنده، حق رجوع به موضوع آن را ندارد (ماده ۸۰۷ قانون مدنی؛ شهید اول، ۱۴۱۰ق: ۱۰۱)، چون با حصول مالکیت صدقه‌گیرنده بر موضوع عقد، صدقه‌دهنده نیز عوض خود را که تقرب به خداوند است، به دست می‌آورد؛ در نتیجه، صدقه مانند هبه با شرط عوض غیرقابل رجوع می‌شود (قسمت ۲ ماده ۸۰۳ قانون مدنی؛ شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ج ۳: ۱۹۱). عده‌ای از صاحب‌نظران معتقدند توجیه رجوع‌ناپذیری صدقه با تحلیل پیش گفته،

۱. به نظر می‌رسد ماده ۱۲ قانون شوراها حل اختلاف تنها نهاد حراست‌کننده اموال مجهول‌المالک را تعیین کرده و نظامنامه اجرای مواد ۲۸ و ۸۶۶ قانون مدنی تنها در همین حدود نسخ می‌شود؛ از این رو، وظایفی که در این نظامنامه برای دادسرای بدایت ذکر شده، اکنون برای شورای حل اختلاف صالح لازم‌الاجرا است.

صحیح نیست؛ زیرا جعل خیار شرط در هبات رجوع‌ناپذیر، نظیر هبه به والدین و اولاد یا هبه دین به مدیون، ممکن است؛ اما جعل خیار اخیر در صدقه، باطل است؛ زیرا خلاف اخلاق حسنه تأکیدشده ماده ۹۷۵ قانون مدنی، محسوب می‌شود؛ از این رو، قبح اخلاقی ستاندن صدقه از مستمندان، مانع ایجاد حق رجوع است (کاتوزیان، ۱۳۹۵، ج ۳: ۱۰۱ - ۱۰۰).

گاهی نیکوکاران، مستقیماً صدقات خویش را به دست نیازمندان می‌رسانند و گاهی هم مؤسسات خیریه یا نهادهایی همچون سازمان بهزیستی و کمیته امداد این امر را انجام می‌دهند. در خصوص شق دوم، این پرسش طرح می‌شود که آیا صدقات به تملیک مؤسسات خیریه در می‌آیند یا به‌عنوان امانت در اختیار آنها قرار می‌گیرند. نگارندگان این پرسش را جهت استفتا به دفاتر برخی از مراجع معاصر ارسال کردند و تا کنون به پاسخ آیات عظام: مکارم شیرازی، نوری همدانی و سیستانی دست یافته‌اند. نامبردگان معتقدند مؤسسات خیریه مالک محسوب نمی‌شوند و اموال اعطایی نزد آنها امانت است؛ چه اینکه این وسایط، وکیل خیران در رساندن صدقات به فقرا هستند. در نقد این دیدگاه گفتنی است اینکه رابطه قراردادی بین خیر و مؤسسه خیریه، در قالب وکالت در صدقه یا هبه قرار گیرد، در مرتبه اول تابع قصد متعاقدين است؛ بنابراین، اگر قصد طرفین عقد معطوف به عقد صدقه باشد، آنگاه صحبت از وکالت در صدقه، خلاف قاعده^۱ است. ممکن است ایراد شود با توجه به اینکه مؤسسه خیریه، فقیر به‌شمار نمی‌رود، پس سخن گفتن از صدقه‌دادن به آن صحیح نیست. به این ایراد نباید اعتنا کرد؛ زیرا فقر صدقه‌گیرنده (متصدق‌علیه)، شرط صحت صدقه نیست و او می‌تواند توانگر باشد (اصفهانی، ۱۳۹۳ق، ج ۲: ۲۷۱؛ گلپایگانی، ۱۴۱۳ق، ج ۲: ۱۶۶). ایراد بنیادی‌تر آن است که چگونه می‌توان مؤسسه را مالک صدقات دانست، در حالی که به موجب شرط صریح یا بنایی طرفین، متصدق‌علیه (مؤسسه) ملزم به تملیک موضوع عقد به اشخاص مدنظر صدقه‌دهنده است.^۲ مبنای ایراد مزبور دیدگاه شیخ انصاری مبنی بر غیرممکن بودن ایجاد مالکیت موقت است (به نقل از: آخوند خراسانی، ۱۴۱۳ق: ۲۹). دیدگاه شیخ از علل اشتراط تأبید در وقف است (آملی لاریجانی، ۱۳۹۹: ۸ - ۷)؛ بنابراین، چون ملکیت موقت قابل انشا نیست، صدقه نیز به‌عنوان یک عقد تملیکی نمی‌تواند مشروط به انتقال فوری موضوع عقد به دیگری باشد، چه اینکه در چنین فرضی مالکیت متصدق‌علیه دوامی ندارد. در رد دیدگاه شیخ تأکید می‌شود مالکیت به‌عنوان یک امر اعتباری می‌تواند بسته به نظر اعتبارکننده موقت باشد (آخوند خراسانی، ۱۴۱۳ق: ۳۰). افزون بر این، در بیع شرط هم مالکیت مشتری بر مبیع اقتضای دوام ندارد؛ ولی در صحت آن تردیدی نیست. در پایان این بحث متذکر می‌شود قسمت «د» ماده ۸ اساسنامه کمیته امداد امام خمینی، صدقات را در عداد منابع مالی کمیته به‌شمار آورده است. این مطلب دال بر آن است که اساسنامه مزبور، کمیته را مالک صدقات دانسته است. مضافاً قانون‌گذار به موجب بند ۹ قسمت «الف» ماده ۷ قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی (مصوب ۱۳۸۳/۰۲/۲۱ مجلس شورای اسلامی)، استفاده از منابع حاصل از صدقات در قلمروهای نظام تأمین اجتماعی را در عداد منابع مالی نظام جامع تأمین اجتماعی قلمداد کرده است.

۱. «العقود تابعه للقصود».

۲. با توجه به اشتراط این امر، امکان انتفاع شخصی مؤسسه از موضوع عقد سلب می‌شود. به هر روی، اگر مشروط‌علیه به شرط عمل نکند، مشروط‌له حق فسخ صدقه را دارد. ممکن است ایراد شود مشروط‌له معمولاً از موضوع ایفا یا عدم ایفای شرط، آگاه نمی‌شود. این ایراد وارد است؛ بنابراین، طراحی مکانیسمی برای ثبت قراردادهای مؤسسات خیریه با اختصاص کد رهگیری، ضروری به‌نظر می‌رسد. در کنار این، وضع ضمانت اجرای کیفی کارآمد نسبت به عدم وفای عامدانه به شرط و سوءاستفاده از موضوع عقد، اقدام مطلوب دیگری است که به تقویت اعتماد عموم و حفظ سرمایه اجتماعی نهاد خیر می‌انجامد.

با توجه به آنچه در سطور پیشین ذکر شد، تملیک مال به مؤسسه خیریه در قالب صدقه ممکن است. حال اگر تردید شود که عقد تملیکی بین یک خیر و مؤسسه خیریه، صدقه است یا هبه، باید مورد به کدام یک، عطف شود. پاسخ این پرسش بدین خاطر حائز اهمیت است که آثار حقوقی صدقه و هبه با یکدیگر متفاوت است؛ برای نمونه، صدقه لازم شمرده می شود (ابوعطا و فرزاد، ۱۳۹۳: ۱۷)؛ در حالی که هبه اصولاً یک عقد رجوع پذیر است (ماده ۸۰۳ قانون مدنی و طباطبایی و کیوانی هفشجانی، ۱۳۹۵: ۲۳۹ - ۲۳۷).

برخلاف هبه، وجود قصد قربت از شرایط صحت عقد صدقه است. حال اگر شک شود که پرداخت کننده وجه به مؤسسه خیریه، نیت تقرب داشته یا نه، اصل بر عدم چنین نیتی است؛ از این رو، هبه بودن رابطه بین دهنده و گیرنده، ثابت می شود؛ مگر آنکه گفته شود در چنین پرداخت‌هایی غالباً نیت تقرب وجود دارد و هنگام تردید در تعلق نیت مزبور به یک پرداخت مشخص، باید مورد مشکوک را به مورد غالب ملحق شود و در نتیجه صدقه بودن رابطه بین خیر و موسسه ثابت می شود، چه اینکه به تعبیر اصولیان: «الظن يلحق الشيء بالأعم الأغلب» (مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، ۱۳۸۹: ۶۲۰ - ۶۱۹). به نظر می رسد دیدگاه اخیر به دلیل سلطه باورهای مذهبی در جامعه نیکوکاران کشور ما صحیح تر باشد؛^۱ البته طبق عقیده برخی هبه با نیت تقرب نیز قابل انشا است و امری که صدقه را از آن جدا می سازد، انشای عقد به عنوان صدقه است (اسماعیل پور قمشاهی، ۱۳۸۷: ۴۸۴ و ۴۸۶).

صلح، عقد رایج دیگری است که به عنوان حلقه وصل خیران و مؤسسات خیریه عمل می کند. در سطور پیشین از امکان اطلاق صدقه بر تملیک مجانی مال به مؤسسه خیریه سخن گفته شد. نظر به اینکه صلح مستند به ماده ۷۵۷ قانون مدنی قادر به تملیک مجانی مال به غیر است (کاتوزیان، ۱۳۹۱، ج ۲: ۳۰۰ - ۲۹۹)، آیا نمی توان چنین تملیکی را به جای صدقه، صلح تلقی کرد و شرایط و آثار آن از قبیل عدم شرطیت قبض و لزوم عقد را جاری دانست. در پاسخ خاطر نشان می شود همان دلیلی که تردید بین صدقه یا هبه بودن رابطه بین خیر و خیریه را با ترجیح صدقه، بر طرف می کرد، مانع از الحاق رابطه مشکوک مزبور به صلح می شود؛ مگر آنکه نخست، مال تملیک شده به مؤسسه خیریه عین معین نباشد و دوم، به سان برخی، صدقه را مفید تملیک عین معین به شمار آوریم (مجاهد طباطبایی، بی تا: ۴۸۲)؛ به ویژه آنکه عده ای صدقه را ماهیتاً هبه می انگارند و نظر مشهور فقهای امامیه بر این است که هبه صرفاً یارای تملیک عین معین را دارد (محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۲: ۱۷۹؛ علامه حلی، ۱۳۸۸ق: ۴۱۵؛ شهید اول، ۱۴۱۷ق، ج ۲: ۲۸۵) و از این رو، هبه دیگر اموال، مانند منفعت، باطل است (کاشف الغطاء، ۱۴۲۲ق: ۵ - ۴؛ اصفهانی، ۱۳۹۳ق، ج ۲: ۲۳۶؛ موسوی خمینی، بی تا، ج ۲: ۵۶). بهره بردن از قالب قراردادی صلح در وضعیتی مناسب است که نیکوکار قصد تملیک مال برای مطلق استفاده های مؤسسه خیریه را دارد. بر این بنیان، مؤسسه خیریه می تواند منابع حاصل از صلح^۲ خویش را معامله کند و عوض آنها را برای تحقق اهداف خود اختصاص دهد. جالب اینجا است که به موجب مصوبه شورای عالی مالیاتی مورخ ۱۳۹۳/۰۳/۱۲، عوض معاملات مزبور نیز مشمول مالیات به نرخ صفر است. افزون بر این، برخلاف هبه و صدقه، از طریق کاربست صلح این امکان فراهم است که نخست مالی به مؤسسه خیریه تملیک و پس از مدتی موضوع عقد به آن تسلیم شود.

عقد وقف هم از مبادی حقوقی اموال مؤسسات خیریه است. تعیین مؤسسه خیریه به عنوان موقوف علیه برای استفاده آن از منافع و ثمرات موقوفه، ممکن است. این مورد به صراحت در قسمت (ب) ماده ۷ آیین نامه اجرایی موضوع تبصره ۳ ماده ۱۳۹

۱. خاطر نشان می شود اظهار نظر مطمئن در این باره منوط به انجام یک پژوهش میدانی مستقل است.

۲. همچنین است: صدقات و هبات غیر مشروط.

اصلاحی قانون مالیات‌های مستقیم بیان شده است: «نظارت بر درآمد و هزینه مؤسسات عام‌المنفعه‌ای که دارای مال موقوفه‌اند یا اداره آنها به موجب قانون یا آیین‌نامه مربوط به سازمان اوقاف و امور خیریه محول شده است، با سازمان یادشده خواهد بود». از میان عقود که تا کنون به‌عنوان مبادی حقوقی اموال مؤسسات خیریه، مطرح و تحلیل شده‌اند، همگی به استثنای وقف، تملیکی محسوب می‌شوند. با وجود این، روابط قراردادی خیران و خیریّه‌ها منحصر به این گروه از عقود تملیکی نیست و در این میان وکالت به‌عنوان یک عقد اذنی، نقش چشمگیری دارد. اگر مقصود نیکوکار، تملیک مال خیر به شکل نیکوکاری نباشد، بلکه آن را به‌عنوان نماینده خود در انجام مقصودش تلقی کند، استفاده از قالب وکالت، مناسب و در عین حال بسیار رایج است.^۱

۳- اسباب انحلال مؤسسات خیریه

در این قسمت از اسباب انحلال مؤسسات خیریه که اجباری یا اختیاری هستند، بحث خواهد شد. ورشکستگی و انحلال به‌موجب حکم دادگاه اسباب اجباری هستند و منحل شدن مؤسسه بنابر تصمیم هیئت‌مدیره سبب اختیاری است.

۳-۱- سبب اختیاری

مطابق ماده ۱۰ آیین‌نامه اصلاحی ثبت تشکیلات و مؤسسات غیرتجارتی (مصوب ۱۳۳۷/۰۹/۰۵ با اصلاحات بعدی) و بند الف ماده ۳۶ آیین‌نامه تشکیل‌های مردم‌نهاد انحلال یک مؤسسه خیریه ممکن است طبق شرایط مقرر در اساسنامه صورت پذیرد؛ برای نمونه، می‌توان به مؤسسه‌ای اشاره کرد که با هدف معینی تشکیل می‌شود و با تحقق آن، رسالتی برای ادامه کار خود نمی‌بیند. در این صورت، هیئت‌مدیره مؤسسه تصمیم به انحلال آن می‌گیرد. متعاقب تصمیم هیئت‌مدیره مبنی بر انحلال مؤسسه خیریه، شخص یا اشخاصی مطابق اساسنامه مؤسسه، عهده‌دار امر تصفیه خواهند شد. به‌موجب ماده ۱۰ آیین‌نامه اصلاحی ثبت تشکیلات و مؤسسات غیرتجارتی، اگر اساسنامه در باب امر تصفیه ساکت باشد، مجمع عمومی باید در موقع تصمیم به انحلال یک نفر را برای تصفیه، انتخاب و حدود اختیارات او را معین کند. درخور ذکر است اگر مؤسسه خیریه‌ای فاقد مجمع عمومی باشد، حکم ماده ۱۰ را باید هیئت‌مدیره اجرا کند.

۳-۲- اسباب قهری

همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد انحلال قهری مؤسسه خیریه معلول دو سبب ورشکستگی و حکم دادگاه است؛ البته وفق بند «ب» ماده ۳۶ و ماده ۳۷ آیین‌نامه تشکیل‌های مردم‌نهاد، اگر اشخاص موضوع این آیین‌نامه ظرف ۲ سال از تاریخ تصویب آن (۱۳۹۵/۰۵/۲۷) خود را با مقررات این آیین‌نامه تطبیق ندهند، اجباراً منحل می‌شوند. در این باره خاطر نشان می‌شود نظر به اینکه دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۸/۰۸/۲۸ بند ۲ ماده ۳۴ آیین‌نامه مورد بحث مبنی بر تعلیق موقت پروانه فعالیت تشکیلاتی مردم‌نهاد توسط شوراهای ملی، استانی یا شهرستانی توسعه و حمایت از تشکیلاتی مزبور را ابطال کرد، باید گفت عدم تطبیق یادشده، فاقد ضمانت‌اجرای مؤثر قانونی است؛ از این رو، در این قسمت صرفاً به ورشکستگی و انحلال قضایی اشاره می‌شود.

۳-۲-۱- ورشکستگی

براساس ماده ۴۱۲ قانون تجارت، «ورشکستگی تاجر یا شرکت تجارته در نتیجه توقف از تأدیه وجوهی است که بر عهده او است». بنابر این ماده، ورشکستگی اختصاص به تاجر و شرکت‌های تجاری دارد (عبدی‌پورفرد، ۱۴۰۰، ج ۴: ۴۹). با وجود این، در حال حاضر مطابق ماده ۱۵ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی (مصوب ۱۳۹۴/۰۳/۲۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام) کلیه اشخاص حقوقی از جمله مؤسسات خیریه می‌توانند ورشکسته محسوب شوند (نک: توکلی، ۱۳۹۹: ۴۰۱)؛ از این

^۱ درخور ذکر است ابعاد حقوقی استفاده از قالب قراردادی وکالت نظیر تأثیر فوت موکل یا انحلال وکیل بر رابطه متعاقدين، در جای خود قابل بحث است.

رو، اگر یک مؤسسه خیریه از پرداخت دیون خود به بستانکارانش متوقف شود، مدیر مؤسسه، بستانکاران یا دادستان می‌توانند از دادگاه صالح صدور حکم ورشکستگی آن را بخواهند. در چنین وضعیتی، دادگاه ضمن حکم ورشکستگی، مدیر تصفیه‌ای را به منظور ادای دیون مؤسسه تعیین می‌کند.

۳-۲-۲- انحلال قضایی

در ماده ۱۱ آیین‌نامه اصلاحی ثبت تشکیلات و مؤسسات غیرتجارتی و بند ب ماده ۳۶ آیین‌نامه تشکیل‌های مردم‌نهاد از امکان انحلال یک تشکل مردم‌نهاد نظیر مؤسسه خیریه توسط حکم دادگاه صالح سخن رفته است. دادگاه صالح براساس مواد ۲۰، ۲۲ و ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی زمانی می‌تواند یک مؤسسه خیریه را منحل کند که آن مؤسسه برای ارتکاب جرم، به وجود آمده یا با انحراف از هدف مشروع نخستین، فعالیت خود را منحصراً در جهت ارتکاب جرم تغییر داده باشد. در این صورت، اگر اساسنامه مؤسسه، مدیر تصفیه را معین نکرده باشد، دادگاه نسبت به تعیین آن اقدام خواهد کرد.

۴- تعیین وضعیت اموال مؤسسات خیریه منحل براساس مبادی حقوقی اموال و انواع انحلال

اگر سبب انحلال یک مؤسسه خیریه تصمیم هیئت‌مدیره آن باشد، مؤسسان آن نمی‌توانند با تکیه بر مفهوم مخالف ماده ۳۲ آیین‌نامه تشکیل‌های مردم‌نهاد، کلیه اموال در اختیار مؤسسه را بین خود تقسیم کنند. نخست، اموالی که نیابتاً در اختیار نهاد خیریه قرار دارد، مملوک نهاد مزبور نیست؛ بنابراین، سخن‌گفتن از تقسیم آن، سالبه به انتفای موضوع است. این مطلب در باب انحلال اجباری معلول ورشکستگی یا حکم قضایی نیز صادق است. توضیح آنکه اموالی که در اثر عقد وکالت در اختیار مؤسسه خیریه قرار گرفته است، نمی‌تواند محل تأدیه دیون مؤسسه باشد یا در اجرای ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی مصادره شود. اموال غیرمنقول دولتی‌ای که در اجرای تبصره ۵ ماده ۶۹ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت در اختیار مؤسسات خیریه است، مشمول استتاج اخیر است؛ زیرا همان‌گونه که بیان شد اموال موصوف ملک مؤسسات یادشده محسوب نمی‌شود، بلکه نسبت به آنها حق انتفاع دارند.

با تکیه بر مطالب بالا شاید بتوان اموال مؤسسات خیریه را که منشأ آنها عقود مملکی همچون صدقه، هبه یا صلح است، تقسیم‌پذیر بین مؤسسان و اعضای آورنده مال دانست یا آنها را مصادره‌پذیر (در اجرای ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی) و قابل تأدیه به دیان مؤسسه ورشکسته به‌شمار آورد. با وجود این، به نظر می‌رسد اگر این عقود به صورت بنایی یا بنا بر ارتکاز عرفی مشروط به این شرط باشند که مؤسسه، اموال مورد بحث را به سوی مقاصد مدنظر خیران هدایت کند، آنگاه باید بررسی کرد این شرط، شرط فعل است یا شرط فاسخ. اگر شرط فاسخ باشد، به محض تخلف مؤسسه از مفاد شرط، عقد مملک منفسخ می‌شود و موضوع عقد دیگر ملک خیریه قلمداد نمی‌شود؛ بنابراین، اموال موضوع عقود مملوک مشروط به شرط فاسخ قابل تقسیم، مصادره یا تأدیه به بستانکاران یادشده نیست؛ اما اگر شرط مورد بحث شرط فعل باشد، آنگاه تخلف از مفاد آن به مشروطه (نیکوکار) حق فسخ می‌دهد و با فسخ عقد، مورد عقد قابلیت تقسیم، مصادره یا تأدیه به بستانکاران را نخواهد داشت؛ با این حال، چه‌بسا نیکوکار از تخلف مشروط‌علیه مطلع نشود و عقد مشروط فسخ نشود و موضوع آن در مالکیت مؤسسه باقی بماند. این مطلب ضرورت طراحی سیستم رهگیری قراردادهای مؤسسات خیریه را به‌وضوح مبرهن می‌سازد.

براساس آنچه در بالا عنوان شد این آورده مؤسسان و اعضای آورنده مال به مؤسسه است که به‌صورت قطعی قابلیت تقسیم بین مؤسسان را دارد یا در اجرای ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی، مصادره‌پذیر است یا می‌تواند محل تأدیه دیون خیریه‌ورشکسته باشد.

۵- نتیجه گیری

نتایج این پژوهش به صورت خلاصه از قرار ذیل‌اند:

۱- انحلال مؤسسات خیریه از موضوعات حائز اهمیت است که ابعاد گوناگون و پیچیده آن در مقررات موضوعه و نیز مطالعات حقوقی، آن‌چنان که باید و شاید، تحلیل و تبیین نشده‌اند. با وجود این، براساس اصول و قواعد فقهی و حقوقی می‌توان موضوع را تحلیل کرد.

۲- اطلاق قسمت «ص» ماده ۱۶ آیین‌نامه تشکیل‌های مردم‌نهاد (مصوب ۱۳۹۵/۰۵/۲۷ هیئت وزیران با اصلاحات و الحاقات بعدی) استنادپذیر نیست؛ بنابراین، نمی‌توان اموال و درآمد‌های مؤسسات خیریه را بین مؤسسان و اعضای آنها تقسیم کرد.

۶- منابع فارسی

- آملی لاریجانی، ص. (۱۳۹۹). *فقه وقف*، جلسه ۵۶، منتشرشده در پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله آملی لاریجانی.
- ابوعطا، م. فرزاد، م. (۱۳۹۳). «مفهوم و ماهیت حقوقی صدقه»، *مطالعات فقه و حقوق اسلامی*، ۶(۲۰)، ۷-۱۱.
- امامی، ح. (بی‌تا). *حقوق مدنی*، ج ۱، تهران: انتشارات اسلامی.
- توکلی، م. م. (۱۴۰۰). *مختصر حقوق تجارت*، چاپ هجدهم، تهران: مکتوب آخر.
- درخشان، م. نصراللهی، خ. (۱۳۹۳). «تحلیل اثر توسعه بخش سوم اقتصاد بر شاخص‌های اقتصادی و راهکارهای توسعه آن در ایران»، *فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی*، ۴(۵۵)، ۸۸ - ۶۱.
- دفتر مطالعات اجتماعی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. (۱۴۰۰). *ترسیم و آسیب‌شناسی وضع موجود تشکلهای مردم‌نهاد*، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- صفایی، سید ح. (۱۳۹۶). *دوره مقدماتی حقوق مدنی: اشخاص و اموال*، چاپ بیست‌وسوم، تهران: نشر میزان.
- طباطبایی، سید م. ص. کیوانی هفشجانی، د. (۱۳۹۵). «امکان رجوع و اهب از هبه به نوادگان»، *مجله حقوق خصوصی*، ۱۳(۲)، ۲۳۳ - ۲۵۲.
- طیب‌نیا، م. ص. فلاح، م. و ربانی اصفهانی، ح. (۱۳۹۹). *معماران عصر جدید: تحلیلی نوین بر وضعیت سازمان‌های مردم‌نهاد در ایران و جهان*، چاپ اول، اصفهان: مهرستان.
- عبدی‌پورفرد، ا. (۱۴۰۰). *حقوق تجارت*، ج ۴، چاپ سوم، تهران: انتشارات مجد.
- قافی، ح. شریعتی، س. (۱۳۹۸). *اصول فقه کاربردی*، ج ۱، چاپ بیستم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- کاتوزیان، ن. (۱۳۸۹). *قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی*، چاپ بیست‌وهفتم، تهران: نشر میزان.
- کاتوزیان، ن. (۱۳۹۱). *حقوق مدنی: عقود معین*، ج ۲، چاپ نهم، تهران: انتشارات گنج دانش.
- کاتوزیان، ن. (۱۳۹۵). *حقوق مدنی: عقود معین*، ج ۳، چاپ نهم، تهران: انتشارات گنج دانش.
- مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی. (۱۳۸۹). *فرهنگ‌نامه اصول فقه*، چاپ اول، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، معاونت پژوهشی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

عربی

- آخوند خراسانی، م. ک. (۱۴۱۳ق). فی الوقف، چاپ اول، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- اسماعیل پور قمشه‌ای، م. ع. (۱۳۸۷). الباقیات الصالحات: الوقوف و الصدقات، چاپ اول، قم: المؤلف.
- اصفهان‌ی، سید ا. (۱۳۹۳ق). وسیله النجاه، ج ۲، چاپ اول، قم: چاپخانه مهر.
- حمیری، ن. (۱۴۲۰ق). شمس العلوم و دواء کلام العرب من الکلام، ج ۱، چاپ اول، دمشق: دار الفکر.
- خامنه‌ای، سیدع. (۱۴۲۴ق). رساله أجوبه الاستفتائات، چاپ اول، قم: دفتر آیت الله خامنه‌ای.
- شهید اول، م. (۱۴۱۰ق). اللعه الدمشقیه فی فقه الامامیه، چاپ اول، بیروت: دار التراث - الدار الإسلامیه.
- شهید اول، م. (۱۴۱۷ق). الدروس الشرعیه فی فقه الامامیه، ج ۲، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- شهید ثانی، ز. (۱۴۱۰ق). الروضه البهیة فی شرح اللعه الدمشقیه، ج ۳، قم: مکتبه الداوری.
- شیخ طوسی، م. (۱۳۸۷ق). المبسوط فی فقه الإمامیه، ج ۳، تهران: المکتبه المرتضویه لإحياء الآثار الجعفریه.
- علامه حلی، ح. (۱۳۸۸ق). تذکره الفقهاء، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- علامه حلی، ح. (۱۴۱۳ق). قواعد الأحکام، ج ۲، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- کاشف الغطاء، ح. (۱۴۲۲ق). أنوار الفقاهه - کتاب الهبه، نجف: مؤسسه کاشف الغطاء.
- گلپایگانی، سید م. ض. (۱۴۱۳ق). هدايه العباد، ج ۲، چاپ اول، قم: دار القرآن الکریم.
- مجاهد طباطبایی، سیدم. (بی تا). کتاب المناهل، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- محقق حلی، ج. (۱۴۰۸ق). شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، ج ۲، قم: اسماعیلیان.
- مصطفوی، سید م. ک. (۱۴۲۳ق). فقه المعاملات، چاپ اول، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- موسوی خمینی، سید ر. (بی تا). تحریر الوسیله، ج ۲، قم: مؤسسه مطبوعات دار العلم.

References

- Abu Ata, M. Farzad, M. (2013). The concept and legal nature of charity. *studies of Islamic jurisprudence and law*, 6(20), 7-11. (In Persian)
- Abdipourfard, A. (2021). *commercial Law*, Volume 4, Third Edition, Tehran: Majd. (In Persian)
- Ākūnd-e Qorāsānī, M. K. (1413 A.H.). *fi Al-Vaqf*, 1th ed., Qom: Mo'asseseh-ye Al-Našr Al-Eslāmī. (In Arabic)
- 'Allāmeḥ Ḥellī, Ḥ. (1388 A.H.). *Tadkerah Al-Foqahā'*, Qom: Mo'asseseh-ye Āl Al-Bayt 'Alayhem Al-Salām. (In Arabic)
- 'Allāmeḥ Ḥellī, Ḥ. (1413 A.H.). *Qavā'ed Al-'Aḥkām*, Vol. 2, Qom: Mo'asseseh-ye Al-Našr Al-Eslāmī. (In Arabic)
- Amoli Larijani, p. (2019). *Fiqh Waqf*, session 56, published in the information base of Ayatollah Amoli Larijani. (In Persian)
- Center for Islamic information and documents. (1389). *Dictionary of Principles of Jurisprudence*, first edition, Qom: Research Institute of Islamic Sciences and Culture, Research Vice-President of the Office of Islamic Propaganda of Qom Seminary. (In Persian)
- Emami, H. (n.d.). *Civil Rights*, Volume 1, Tehran: Islamia Publications. (In Persian)
- Esmā'īlpūr-e Qomšeh-ī, M. A. (1387 Š.). *Al-Bāqiyāt Al-Šāleḥāt: Al-Voqūf va Al-Šadaqāt*, 1th ed., Qom: Al-Mo'allef. (In Arabic)
- Eṣfāhānī, Sayyed A. (1393 A.H.). *Vasīlah Al-Najāh*, Vol. 2, 1th ed., Qom: Čāpḳāneh-ye Mehr. (In Arabic)

- Ghafi, H. Shariati, S. (2018). *Principles of applied jurisprudence*, vol. 1, 20th edition, Qom: Hozah and University Research Institute. (In Persian)
- Golpāyegānī, Sayyed M. R. (1413 A.H.). *Hadāyah Al-'Ebād*, Vol. 2, 1th ed., Qom: Dār Al-Qur'ān Al-Karīm. (In Arabic)
- Katouzian, N. (2010). *Civil law in the current legal order*, twenty-seventh edition, Tehran: Mizan publication. (In Persian)
- Hemyarī, N. (1420 A.H.). *Šams Al-'Olūm va Davā' Kalām Al-'Arab men Al-Kolūm*, Vol. 1, 1th ed., Damešq: Dār Al-Fekr. (In Arabic)
- Katouzian, N. (2011). *Civil rights: Moin contracts*, vol. 2, 9th edition, Tehran: Ganj Danesh. (In Persian)
- Katouzian, N. (2015). *Civil rights: Moin contracts*, vol. 3, 9th edition, Tehran: Ganj Danesh. (In Persian)
- Kāmeneh-ī, Sayyed 'A. (1424 Q) *Resalah 'Ajvabah Al-'Esteftā'āt*, 1th ed., Qom: Daftar-e Āyatollāh Kāmeneh-ī. (In Arabic)
- Kāšef Al-Ġeṭṭā', H. (1422 A.H.). *'Anvār Al-Feqāhah: Ketāb Al-Hebbah*, Najaf: Mo'asseseh-ye Kāšef Al-Ġeṭṭā'. (In Arabic)
- Moḵāhed-e Ṭabāṭabā'ī, Sayyed M. (n.d.). *Ketāb Al-Manāhel*, Qom: Mo'asseseh-ye Āl Al-Bayt 'Alayhem Al-Salām. (In Arabic)
- Moḵāḡeq-e Hellī, J. (1408 A.H.). *Šarā'e Al-'Eslām fī Masā'el Al-Ḥalāl va Al-Ḥarām*, Vol. 2, Qom: Esmā'īlīyān. (In Arabic)
- Mošāfāvī, Sayyed M. K. (1423 A.H.). *Feqh Al-Mo'āmelāt*, 1th ed., Qom: Mo'asseseh-ye Al-Našr Al-Eslāmī. (In Arabic)
- Mūsāvī-ye Komeynī, Sayyed R. (n.d.). *Tahrīr Al-Vasīlah*, Vol. 2, Qom: Mo'asseseh-ye Maṭbū'āt-e Dār Al-'Elm. (In Arabic)
- Prentice, R. A. (2011). *Gratuitous Promises*, In: *Contract Law and Economics*. Edited by: De Geest, Gerrit. Cheltenham: Edward Elgar.
- Safai, Seyyed H. (2016). *Introductory course of civil rights: persons and property*, 22nd edition, Tehran: Mizan Publishing House. (In Persian)
- Social Studies Office of Islamic Council Research Center. (2021). *Delineation and pathology of the current situation of non-governmental organizations*, Islamic Council Research Center. (In Persian)
- Šahīd-e Avval, M. (1410 A.H.). *Al-Lom'ah Al-Damešqīyah fī Feqh Al-Emāmīyah*, 1th ed., Beyrūt: Dār Al-Tūrāt - Al-Dār Al-Eslāmīyah. (In Arabic)
- Šahīd Aval, M. (1417 A.H.). *Al-Dorūs Al-Šar'iyah fī Feqh Al-Emāmīyah*, Vol.2, Qom: Mo'asseseh-ye Al-Našr Al-Eslāmī. (In Arabic)
- Šahīd-e Tānī, Z. (1410 A.H.). *Al-Rowzah Al-Bahīyah fī Šarḥ Al-Lom'ah Al-Damešqīyah*, Vol. 3, Qom: Maktabah Al-Dāvarī. (In Arabic)
- Šeyḡ-e Tūsī, M. (1387 A.H.). *Al-Mabsūt fī Feqh Al-Emāmīyah*, Vol. 3, Tehrān: *Al-Maktabah Al-Mortazawīyah Le'ehyā' Al-Ātār Al- Ĵa'farīyah*. (In Arabic)
- Tavakoli, M. M. (2021). *Summary of commercial law*, 18th edition, Tehran: Maktoob Akhir. (In Persian)
- Tabatabai, Seyyed M. p. Kivani Hafeshjani, d. (2015). Possibility of recourse by the donor from gift to descendants, *Journal of Private Law*, 13(2), 233-252. (In Persian)
- Tayyabnia, M. S., Falah, M. and Rabbani Esfahani, H. (2019). *Architects of the new age: a new analysis of the state of non-governmental organizations in Iran and the world*, first edition, Isfahan: Mehrestan. (In Persian)
- Derakhshan, M. and Nasrallah, Kh. (2013). Analysis of the effect of the development of the third sector of the economy on economic indicators and its development strategies in Iran. *Scientific Research Quarterly of Islamic Economy*, 4(55), 88-61. (In Persian)